

مسئله‌ای بعنوان (کودکان تنها)

روش دوست‌یابی برای کودکان منزوی
 کودکمان را چگونه تربیت کنیم که برای کودکان دیگر مفید باشد؟

طرح دوستی با آنها را خواهد ریخت. البته من هم خود به این معنی آگاهی دارم که هیچ کس نمیتواند برای دیگران دوست‌یابی کند. اما این راهم میدانم که برای کمک به یک کودک تنها و باز کردن راه دوست‌یابی برای او بطور حتم راه‌هایی وجود دارد و مدت‌هاست که در جستجوی این راه‌ها هستم و میخواهم دخترم را از تنهایی بیرون بیاورم که سمکنت این خصلت برای همیشه در او بماند و آینده‌اش را تیره کند.

در جواب این مادر هوشیار باید گفت که همدردان او بسیار هستند و نزدیک کردن دو مغز به هم یا یک گروه به گروه دیگر،

مادری میگفت من صاحب سه کودک هستم. کودک بزرگ، و کودک کوچکترم، کودکان زودجوشی هستند و به آسانی با کودکان دیگر گرم میگیرند و دوستان فراوانی دارند، اما کودک وسطی‌ام که هفت ساله است و آلیس نام دارد، کودکی تلخ و تنه‌است و تابحال برای خود دوستی پیدا نکرده است. او وقتش را در گوشه‌گیری و انزوا میگذراند، و همیشه حالت کسی را دارد که چیز بسیار مهمی را از دست داده و گم کرده است. و من از این بابت بسیار ناراحتم. اما شوهرم بر این عقیده است که اضطراب من بیهوده است و آلیس سرانجام روزی به طرف کودکان دیگر خواهد رفت و

کار ساده‌ای نیست و از اهمیت خاصی برخوردار است که سعی میکنیم آن را از هم بشکافیم، و در این جهت برای همه مادران راهیاب باشیم.

آنچه در این مسئله بخوبی آشکار است، ویا بهتر بگوئیم، نقش اساسی را بازی میکند، در درجه نخست آن جذبه و یانیروی عظیمی است که آدم‌های هم‌فکر و سلیقه را به هم نزدیک میکند که به قول « رالف والداسرسن » فیلسوف بزرگ امریکائی دوستان یک انسان قوای مغناطیسی اوهستند و از جذب این نوع نیروها است که بین دونفر محبت و نزدیکی بوجود میآید، و در غیر اینصورت راهشان از هم جداست. بطور مثال کودک کی که به ورزش علاقه دارد، بدون شک بیشتر بسوی کودکان ورزش دوست متمایل می‌شود، حال آنکه بین او و کودک کی که به موسیقی علاقمند است، امکان ایجاد علاقه و نزدیکی به ندرت بوجود میآید و حتی اگر چنین نزدیکی‌هایی نیز بوجود بیاید، باز به عمق و ریشه نمیرسد و آن کودک باز بیشتر به کودکان فوتبال دوست، شناگر، دوند، و غیره گرایش خواهد داشت.

بیشتر مادرها میخواهند فرزندانشان ضمن این که دوستان خوبی داشته باشند، خود نیز برای دیگران نقش یک دوست خوب را داشته باشند، و برای رسیدن باین مرحله راه‌های عملی بیشماری وجود دارد که تنها یک مادر آگاه و روشن فکر میتواند راه‌نمای آن باشد. اولین قدم اطمینان از شخصیت کودک است و این که آیا این کودک میتواند معاشرتش با دیگر کودکان مفید و ارزنده باشد یا نه؟ و تنها کودکانی باین مرحله از رشد شخصیت میرسند که در محیط خانواده از امکانات پرورش قوای جسمانی و فکری بحد لزوم بهره‌مند شده باشند و کودکانی که در



خانواده‌های آگاه متولد میشوند و از بدو تولد در معرض برسیمهای دقیق و هشیارانه قرار دارند و رشد فکری و جسمانی آنان بطور منظم تحت نظر است، به آسانی به این مرحله از رشد شخصیت میرسند و به صورت کودکانی پر ارزش و مفید تجلی میکنند.

بطور مثال مادری که فرزندش را از نخستین لحظات زندگی زیر نظر میگیرد و میکوشد تا قوای باصره، سامعه، ذائقه،

لامسه و شامه او را تقویت کنند ، میتواند اطمینان داشته باشد که کودک قوی و متکی به نفس را بار آورده است و چون عشق بزندگی همیشه زندگی را جذب میکنند ، بنابراین چنین کودکی هرگز تنها نمیمانند و هیچگاه دوستانش را به بهانه های بیهوده از دست نمیدهد ، که یکی از نشانه های اصلی زندگی جوشیدن و پیوند خوردن با دیگران است و انسان اجتماعی است نه فردی .

چنین کودک کانی پیوسته در معرض سواذات هشیارانه درونی قرار دارند ، که این چیست ، این راه به کجا میرسد و آن چه معنی دارد ...؟ و به این ترتیب کودکان دیگر را نیز به تحرك در میآورند و آنان را نه تنها مشتاق هم صحبتی خود میسازند ، بلکه شور زندگی را نیز در آنان افزون تر میکنند و بدون شك کودکان جهت مخالف که نسبت به محیطشان نابینا و ناشنوا هستند ، هرگز نمیتوانند میل به دوستی و مصاحبت را در دیگر کودکان شعله ور سازند و اینان در شمار آن دسته ای هستند که از داشتن پدر و مادری آگاه محروم بوده و چون در محیط دقیقی پرورش نیافته اند ، به رشد شخصیتی کامل نرسیده و به اصطلاح نارس باقی مانده اند . یکی از بزرگترین و پر ضررترین بازدارنده های تربیتی زمان که در پرورش احساس و تفکر کودکان سد سازی میکند و آنان را از نزدیکی و هم صحبت شدن با کودکان دیگر باز میدارد تلویزیون است و خانواده های هوشمند آن خانواده هایی هستند که ساعات فراغت کودکان را با دقت بسیار با برنامه های تلویزیون تطبیق دهند و این اجازه را به کودکان خود ندهند که سراسر ساعات بیکاری را به تماشای تلویزیون بشینند ، چون گذشته از مضار دیگر که از بحث ما خارج

است ، کودکان را به این ترتیب از نزدیکی بیک دیگر و شناخت دنیاهای دیگر باز میدارد و حتی برای پاره ای از کودکان این خطر به طور جدی وجود دارد که تلویزیون بطور ناخود آگاه برای آنها بصورت تنها دوست در بیاید . بهرگونه در این مسئله هیچ نوع شکمی وجود ندارد که بیشتر کودکان شجاع ، سلامت ، پیشرو و پرتحرک و منظم در خانه هائی پرورش مییابند که تلویزیون تنها در ساعات معینی و بخاطر برنامه های معینی باز شده و در پایان آن بسته میشود ، چون احساس و تفکر کودکان در دوسورد کند و بی حرکت و سرده میشود : نخست وقتی که آن ها را به کار نمیگیرند و دیگر وقتی که آنها را زیاد بکار میگیرند و تماشای مداوم برنامه های تلویزیون در حالت دوم نقش بزرگی را بازی میکند و حرکت مغزی و فکری کودکان را کند و تنبل میکند و اگر مادری بر آن باشد که کودکش به حقیقت زندگی کند و شادمان باشد و بتواند با دیگران رابطه دوستی برقرار کند لازم است باین اطمینان دست بیاید که تلویزیون نباید بصورت مهم ترین مسئله زندگی یک کودک در بیاید . و اساسا کودکی که بنظر میآید هنگام روبروشدن با کودکان دیگر به قوای جذب کننده احتیاج دارد ، یا این که برای برقراری رابطه با کودکان دیگر کوچک ترین استعدادی ندارد ، باید به فوریت از طرف خانواده زیر نظر گرفته شود . برای حل این مشکل این دسته از کودکان را باید لااقل هفته ای یکبار در اجتماعات شرکت داد . قدم زدن در یک خیابان یا یک پارک درد کودکی را که نمیتواند احساساتش را نسبت بدیگران نشان بدهد ، دوا نمیکند ، اما رفتن به سوز ، باله ، باغ وحش و یا اجتماعات دیگر روی او اثر بسیار خوبی میگذارد .



یکی از زیباترین موهبت‌هایی که یک مادر میتواند بکودکش هدیه بکند، آسودن این مسأله به اوست که چطور میتواند در درجه اول با خودش دوست باشد. کودکی که یاد گرفته است چطور اوقاتش را بطور مثبت صرف کند. نه تنها جسمش تقویت میشود، بلکه فکرش نیز گسترش مییابد و بطور حقیقی احساس خوش بینی میکند.

البته کودک در مراحل اولیه به پاره‌ای از کمک‌ها نیاز دارد، اما با روش صحیح پرورشی که شامل تقویت قوای روحی و فکری کودک میشود و آماده کردن تسهیلات روانی برای او به زودی روی پای خودش میایستد و به تحرك و خود نشان دادن علاقه پیدا میکند و به این ترتیب با شخصیتی که بدست میآورد هم برای خود وهم برای دیگران دوست خوبی میشود.

چنین کودکی هرگز دوستان خوب ویا مصاحبت‌های مطبوع را به آسانی از دست نمیدهد، و به این معنی واقف است که دادن محبت و احساس به اندازه گرفتن محبت و عاطفه اهمیت دارد ویا این آگاهی تمایزش به پیدا کردن دوستان تازه روز بروز بیشتر میشود، چون تنها با این وسیله است که تعادل روانی و فکری او بر جای میماند.

کودکان خردسال بسیاری را دیده‌ایم که از نداشتن دوست و همبازی ناله و شکوه سر میدهند و فریاد میکشند که ما یک همبازی سیخواهیم، به این دسته از کودکان باید با روش صحیح فهمانیده شود که تنها راه پیدا کردن دوست نشان دادن محبت و تمایل به دیگران است و تا در این راه پیشقدم نشود، به مقصود نمیرسد.

«اسرن» که به مسئله دوست‌یابی اهمیت زیادی میدهد، میگوید: ما مردم از

سلامتی ما مواظبت میکنیم، به جمع‌آوری بول رغبت نشان میدهیم، سقف خانه‌هایمان را محکم میسازیم و به قدر کفایت برای خودمان لباس تهیه میکنیم، اما چه کسی عاقلانه پیش‌بینی میکند که بیشتر از همه این‌ها، به یک دوست نیاز داریم.»

وقتی به کودکی تفهیم میشود که دنیا خاص او و برای او ساخته نشده است و آدم‌های دیگری نیز وجود دارند که احتیاجاتشان بر او مقدم است، بدون شک فکرش به این مسئله معطوف میشود و از کودکی به نفس انسانیت دست مییابد. چنین کودکی هرگز از دیگران دوری نمیکند و نیاز به دوست‌یابی بر همه نیازهایش غلبه دارد.

اما کودکی که عادت کرده است خواست‌های دیگران را نادیده بگیرد و تنها بتخواست‌های

خود بیاندیشد ، کودکی که انتظار دارد همه مردم تنها بخاطر نیازهای او زندگی کنند ، هرگز مصاحب جالبی نخواهد بود و به زودی خود را تنها خواهد یافت .

و حقیقت اینست که مادر دوستی هم مثل هر چیز دیگر کاشته‌های خود را درو میکند و کودکی که به رفتارهای زنده و غیر دوستانه عادت کرده باشد ، به آسانی از طرف دیگران کنار گذاشته میشود . حال آن که کودکی که دوستی ، نجابت و افکار خوب را به دیگران هدیه میکند ، بدون شک هرگز تنها نخواهد ماند .

مسئله ، مسئله دوستی در برابر دوستی است که هم در کودکان و هم در بزرگسالان صادق است و این معنی تنها در میان موجوداتی تجلی میکند که از چیزی بطور مشترک خوششان می‌آید و یا از آن گریزان هستند و فهم این روش دوستی در برابر دوستی با ضربت مثل پرنده‌های یک شکل همیشه دور هم جمع میشوند آسان‌تر است .

و اما مسئله مهم دیگری که در این جا پیش می‌آید مسئله تقلید پذیری کودکان است و مادران باید بدانند که کودکان در اصل تقلید کننده بدنیا می‌آیند و باین خاطر نوع مصاحبان آنها بسیار مهم است . چرا که بعد از خانواده ، معلمین و دوستان بیشترین تأثیر را در ساختمان شخصیت طفل بر جای می‌گذارند .

« مر و انتس » خالق رمان معروف « دن کیشوت » می‌گوید : « بگوئید چه دوستانی برای خود برگزیده‌اید ، تا بگویم چگونه آدمی هستید . »

و هم چنین کلام کوتاه دیگری دارد که دوستان خوبتان را نگاه دارید و خودتان نیز یکی از آنها بشوید .

و مادرهایی که نسبت به پرورش فکری کودکانشان علاقمند هستند ، باید بنوع سلیقه کودکانشان در انتخاب دوست دقت بخرج بدهند و از روی این مسئله به آسانی نگذرند ، اما از جدل با کودکان در این مورد باید بشدت پرهیز کرد و مشاغل انتقادی نیز از کودک در باب این مسئله اثر به عکس می‌گذارد ، حتی بارها دیده شده است وقتی از دوستی که کودک برای خود انتخاب کرده است تنقید میشود ، میل به مصاحبت با او در کودک شدیدتر میشود . راه تنها در پیدا کردن شخصیت اصلی کودک و بازگرداندن شخصیت اوست ، چرا که هرگز کودکی با شخصیت پرورش یافته و رشد کرده به دنبال مصاحبت کودک دیگری که از این مرحله دور است ، نیرود و هم جنس در واقع پیوسته با هم جنس پرواز میکنند .

و اما آنچه در بسیاری از کودکان جلب توجه میکند ، این مسئله است که آنها بیشتر دوست دارند کودکی را به مصاحبت خود انتخاب کنند که بتوانند با او از روی حقیقت صحبت کنند و بطور مستقیم آنچه را که در شان می‌گذرد با او در میان بگذارند و این مسئله بیشتر در خانواده‌هایی دیده میشود که پدر و مادر نمیتوانند آن اطمینان لازم را در کودکشان بوجود بیاورند و این جاست که کودک در جستجوی ملجاء اطمینان دیگری برمی‌آید و به کودک دیگری پناهنده میشود که با او راست و درست باشد و باز در این جا به مسئله روش تربیتی پدران و مادران باز می‌گردیم و این که اگر ریشه تربیت صحیح باشد ، کودکان گرفتار هیچ مشکلی نمیشوند و نه تنها مانند « آلیس » من‌زوی و گوشه‌گیر و فراری از کودکان دیگر بار نمی‌آیند ، بلکه در طول زندگی کمتر با مشکلی روبرو میشوند و قدرت روبروشدن با واقعیات را دارند .

ایجاد شکاف و کدورت بین آنان جلوگیری نماید و دیگر آنکه معلم نباید بین دانش آموز بی بضاعت و توانگر فرقی قائل شود که از زمره خیانتکاران محسوب میشود.

مبحث نهم - در این مبحث این سخنون یکی از مسائل مهم آموزشی که از نظر تأمین زندگی معلم ارزش فوق العاده دارد اشاره مینماید و آن باصطلاح امروز استخدام معلم قراردادی و در سطح دانشگاه اعطای حق التدریس باستاد دعوتی است این سخنون با توجه بهائی فقهی بر آن است که باید پاداش سالانه معلم از طرف ولی طفل پرداخت شود خواه آن طفل تمام سال در خدمت معلم باشد یا برعکس تصادف چون پدرش در خانواده اش بجزیره دیگری انتقال می یابد و یا هجرت می کند تاگزیر از ترک تحصیل در آن شهر است ولی چنانچه وضع مالی خانواده طفل نتواند این نفیسه را در بودجه خود جبران کند شایسته است که در تعیین میزان پرداخت حق نفیسه در خلال مدتی که طفل بکلاس درس آمده با ولی آن وارد مذاکره شود و معلم می تواند برای رفع حوائج زندگی در ایام فراغت بخرید لوازم زندگی و نیازمندی خود اقدام نماید و چنانچه از افراد خانواده اش کسی بتواند بجای وی لوازم زندگی را فراهم کند شایسته تر آن است که این وظیفه را بوی معمول نماید و بخود بپردازد و کمالات بپردازد و آنگاه معلم می تواند برای خود کودک از طرف خود ازهدی بگمارد که آنرا بوی بزرگتری کند که نباید این سخنون بی اثر بود چنانچه معلم نسبت

از خلال این مبحث باهن نکته بی برد که مسلمانان صدر اسلام بدرس قرآن علاقه خاصی نشان می دادند و معلم قرآن احترام فوق العاده می گذاشتند، این سخنون در این فصل از کتاب می نویسد معلم حق ندارد شاگردی را بدنیال کارهای شخصی خود گسیل داده و باید کودک را از بین هفت سالگی با ترسش و بلاطنت بنهار و اداره و چون پیش از سالگی میباید باید برای ادای نماز قدری خشونت بکار برد و باولیا آنکه توبیخ کند که خوابگاه را باصطلاح ریختن خواب آنرا از بزرگتر جدا کند سواد بیسری باشد یا دختر و آموزش نماز و وضو بر سایر مکلفات و شرایط نماز را باید بشاگردان بیاموزد و آنان را نیز هدایت دهد که پس از نماز بر حق پدران و مادران و اجداد خود دعا کنند که دعای کودکان مخصوص پدران باصطلاح دعا خواندن بود و شایسته است که بشاگردان توبیخ کند که همیشه با طهارت باشند روزی بیستگام نوشتن دروازه دانش و سر جان و طهارت و صفائی خاص می باشد این سخنون پس از بیان آداب قرانت قرآن یکی دیگر از مسائلی مهم تربیتی و اخلاقی را عنوان نموده از پدرش سوال می کند آیا معلم می تواند شکایت چند دانش آموز را علیه چند دانش آموز دیگر ملاک حکم در سبب کیفرت قرار دهد؟ پدر در جواب میگوید در صورتیکه دانش آموزان باصطلاح دیگر دانش آموزی را شکایت کرده باشند قابل تصدیق است و باید در سبب آن شکایت کیفرت و تربیت دانش آموزان را در سبب آن شکایت قرار ندهد و در صورتیکه شکایت دانش آموزی از

معلومات وی اطمینان داشته باشد بر او منع خواهد بود و گرنه خود شخصاً باید بر کار عقلی و تکالیف دینی آنان نظارت کند و مسأله دیگر آنکه هرگاه در انشاء سال معلم یا گوید که بفرود آید کسی گویند در این صورت فرار بود منطقی و ملتی می گردد و فقط جهت انجام تدریس برای پرداخت و مطالبه از طرفین با نظارت حاکم شرع محاسبه می شود.

مبحث دهم - آخرین مبحث کتاب آداب المعلمین درباره استعاره قرآن و سایر کتابهای دینی و پرداخت وجه به آنک کتاب گفتگو مینماید و در تجویز اجاره کردن قرآن کریم گوید که در حقیقت حق الزحمه نگارش و تهیه ادوات کتابت از قبیل قلم و دوات و مرکب ارزیابی می شود نه کلمات و آیات الهی آنچنانکه بهنگام فروش قرآن کریم همین مخارج ارزیابی می شود نه خود آیات شریفه آن و اما در مورد کتب فقهی بین علما و پیروان مذهب مالکی اختلاف است ولی پدر سخنون استعاره آنرا جازه می داند و این سخنون نیز می نویسد که فقهای اندلس معاصر وی استعاره کتب فقهی را جایز دانسته اند و علت آنکه در مورد استعاره قرآن همه فقها اتفاق نظر دارند ولی در مورد کتب مذهبی بریک رأی نیستند چون قرآن کتاب آسمانی است و شکی بدان راه ندارد (الم ذلک الكتاب لاریب لیه) لذا تداول آن بین همه یکسان و از نظر تبلیغ امری ضروری است. برخلاف فقه که از مکتهای مختلف اسلامی سرچشمه می گیرد و فقها در بسیاری از مسائل و احکام دینی وحدت نظر ندارند. لذا استعاره کتاب فقه امری ممدوح و پسندیده نیست البته

تألیف و تفسیر که از سوی مردم غیر از مالکی است ولی اخیراً برای مباحثه و تفسیر قرآن از جمله اشخاصی است که در ایران و کشورهای عربی و اسلامی خاورمیانه در گزینهای سخنون بنا بر آن رسیده و از مطالب و مستندات این کتاب چنین استفاده میگردد که علمای خطبه غربی جهان اسلام (مسائل الزیما) بدانند پیشی شرقی آن (ایران و دیگر کشورهای عربی و اسلامی خاورمیانه) در گزینهای نخستین اسلام در زمینه آموزش و پرورش برنامه های مترقی داشته و در تأسیس مدارس در سطوح مختلف آموزشی گامهای مشر و ارزنده برداشته اند و کتاب مورد بحث خود گواه صادق بر این مدعی است، و ان شاء الله در گفتار آینده آراه یکی دیگر از سربیان بزرگ صدر اسلام را بنام قاسمی که از شاگردان این سخنون است و از مردم مغرب می باشد مورد بررسی قرار خواهیم داد. ان شاء الله.



مجله علم اشنای

(۱) قیروان امروز یکی از شهرهای معروف کشور تونس است و درباره ریشه این کلمه نظریات مختلفی وجود دارد برخی از زبان شناسان بر آنند که قیروان معرب کاروان فارسی است

(۲) علی بن ابی طالب علیه السلام قال رسول الله (ص) خیرکم من تعلم القرآن و علمه

(۳) قال رسول الله (ص) یرفع الله بالقرآن اقواماً

اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زنان نباید شکافی در مقام پر عظمت و جبروت مادری به وجود آورد. دنیا بدون مادر هرگز به خوشبختی و سعادت نخواهد رسید. بگذارید مادر برای کودک خود تمام وقت مادر بماند تا قرنها آینده هم بشریت او را با تمام وجود و بی‌ریاستایش کند.

اگر عظمت مورد احترام است انسان بودن نهایت همه عظمت‌هاست.

کار مادر - درباره کار مادر در خارج از منزل و بی‌سرپرست‌گذاشتن کودکان و رها کردن آنان در کوچه و نتیجه شوم آن یعنی افزایش تبه‌کاری سخن بسیار گفته شد ولی این خطر در مورد ایجاد باندها به مراتب شدیدتر است.^{۱۶}

باز هم تکرار می‌کنیم که فعالیت‌های

- (1) - Dr. Edmond LOCARD; La défense contre le crime, Paris, 1951, p. 9.
 (2,3) - Jean CHAZAL; Etude de criminologie juvenile, P.U.F., p. 98.
 (۴) دکتر سیروس عظیمی : مباحث اساسی در روانشناسی «رفتارشناسی» جلد دوم - تهران - ۲۰۳ شاهنشاهی - صفحه ۲۹۳.
- (5) - B. SPILLER; Delinquency and middle class goal, The Journal of Criminal law, Criminology and Police Science, vol. 56, No. 4, decembre 1965, p. 463 à 478.
 (6) - J. CHAZAL; ouv. cit. p. 105.
 (7) - Jean PINATEL; Criminologie, 3e éd. Paris, 1975. p. 375.
 (8) - Dr. ROGER MUCCHIELLI; Comment ils deviennent délinquants, Paris, 1965, p. 183-193.
 (9) - Dr. Emilio MIRA Y LOPEZ; Pathogénie de la délinquance juvénile Politica (Caracas, Venezuela), No 8.
 (10) - M.H. RANDOLPH, H. RICHARDSON et R.C. JOHNSON, A comparaison of social and solitary male delinquents. J. Consult. Psychol. U.S.A., 1967, Vol. 25, No 4, p. 293-295.
 (11) - Albert COHEN; Delinquant boys, (The Culture of the Gang), Londres, 1956.
 (12,13) - Philippe ROBERT; Les bands d'adolescents, Paris, 1966. p. 227-228.
 (14) - Ibid. p. 229.
 (15) - Ibid. p. 237-232.
 (16) - Ibid. p. 234.